صاحب امتیاز: بنیاد رسالت
مدیرمسئول: محسن پیرهادی
سردبیر: مسعود پیرهادی
نشانی: تهران، خیابان استاد نجات اللهی جنوبی خیابان شهید اسماعیل محمدی- پلاک ۱
کدپستی: ۱۵۹۹۹۷۶۷۱۱ | تلفن: ۱۰-۸۸۹۱۰۸۰۶
نمابر: ۸۸۹۰۰۵۸۷ | چاپ: صمیم | تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

رسالت

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صبح ایران

سه‌شنبه
۳۰ آبان ۱۴۰۲
۷ جمادی الاولی ۱۴۴۵
۲۱ نوامبر ۲۰۲۳
سال سی و هشتم
شماره ۱۰۷۳۴

WWW.RESALAT-NEWS.COM

اوقات شرعی
اذان ظهر: ۱۱:۵۰
اذان مغرب: ۱۷:۱۴
اذان صبح فردا: ۵:۱۹
طلوع آفتاب فردا: ۶:۴۷

خوانندگان فهیم روزنامه رسالت می‌توانند پیام‌های خود را به سامانه‌های ۱۰۰۰۲۱۸۸۹۱۰۸۰۸ یا ۵۰۰۰۱۰۶۰۶۵۸۱۱۹ پیامک کرده و مسائل و مشکلات خود را بیان نمایند. بی‌صبرانه منتظر پیام‌های گرم شما هستیم.

حکمت نهج البلاغه

امام (علیه‌السلام) فرمود: مردم چیزی از امور دینشان را برای اصلاح دنیایشان ترک نمی کنند مگر این که خداوند زیان بارتر از آن را به روی آنها می گشاید.

شاه بیت

گر هزارم جواب تلخ دهی
اعتقاد من آن که شیرینست

سعدی

فیلم «اوپنهایمر» هشدار حاکم مستبد پیری است به جهانی که سودای تغییر و نوشدن دارد

مجسمه آزادی آمریکایی

جواد شاملو

در کارنامه کریستوفر نولان نام دو فیلم هست که با پیرنگ آثار این کارگردان همخوانی کاملی ندارد: دانکرک و اوپنهایمر. اولی یک درام تاریخی است و دومی یک بیوگرافی. حال آنکه دیگر آثار این کارگردان عمدتا در فضای ژانرهای اکشن و علمی-تخیلی است. محبوب‌ترین آثار او سه فیلم شوالیه تاریکی، تلقین و میان ستاره‌ای، آونگی میان این دو ژانر نبرده‌اند و بیشتر روایت گر اتفاقات بزرگی در دل تاریخ جهان هستند. نولان فیلمسازی خلاق، مستعد و البته بازارشناس است. او مخاطبان را به سینماها می‌کشاند و با مفاهیم فلسفی، علمی و اخلاقی آن‌ها را مجذوب می‌کند. صرف نظر از اینکه رویکرد او در سینما چه میزان از نظر هنری و سینمایی ارزشمند است؛ فرمول او برای برقراری ارتباط با مخاطب، آنچه در دانکرک و اوپنهایمر دیدیم نیست. برای هر دوی این فیلم‌ها نولان اصرار داشت مخاطبان برای دیدن آن‌ها راهی سینماهای آیمکس شوند تا فیلم‌ها را روی پرده‌هایی عریض و با نهایت کیفیت ببینند. هر دوی این فیلم‌ها از قاب‌بندی‌هایی موزون، کمال گرایانه و شیک برخوردار بودند؛ چیزی که از سینمای نولان بعید است. نولان چند فیلم کاملا تجاری و بلاک باستری در کارنامه خود دارد. او آدم قاب‌بندی‌های متوازن و خشک و رسمی استِنلی کوبریکی نیست. این دو فیلم از سینمای نولان خارج‌اند. او در اوپنهایمر هم تلاش می‌کند ردپاهایی از خود به جا بگذارد اما در نهایت این فیلم هرگز یک فیلم نولانی نمی‌شود. چرا؟

جای خالی عناصر جهان سینمایی نولان در اوپنهایمر

در اعصار گذشته برای توصیف وضعیت مواد در جهان می‌گفتند جهان از چهار عنصر تشکیل شده است. آب، باد، آتش و خاک. جهان سینمای کریستوفر نولان هم چهار عنصر همیشگی داشته است. اولین عنصر علم است. خاصه علوم روان‌شناسی، فیزیک و فلسفه اخلاق. نولان در فیلم‌های «ممنتو» و «تلقین» کاملا سوژه‌هایی روان‌شناختی همانند فراموشی و خواب را به تصویر می‌کشد. در «میان ستاره‌ای» نیز غرق فیزیک است و داستانش را با پدیده‌های حیرت‌آور اخترفیزیکی و کیهانی همچون سیاه‌چاله‌ها روایت می‌کند. او ظاهرا در «اوپنهایمر» هم به سراغ فیزیک رفته اما نه مثل دفعات قبل. این بار صرفا یک دانشمند فیزیک داریم، نه خود فیزیک را. در «میان ستاره‌ای» فیزیک ساختار داستان را می‌ساخت. شخصیت‌ها با کرم چاله سفر می‌کردند و شخصیت اصلی موفق شد درون یک سیاه‌چاله را ببیند. داستان «اوپنهایمر» حول فیزیک است، اما فیزیک در تار و پود داستان حضور ندارد. نمی‌توانست هم حضور داشته باشد چون واقعه فیزیکی‌ای برای خود شخص اوپنهایمر روی نداده بود؛ واقعه فیزیکی در هیروشیما و ناکازاکی روی داد. در فیلم آخر نولان همه کله‌گنده‌های فیزیک جهان میان یکی از مهم‌ترین برهه‌های تاریخ این علم را می‌بینیم، اما خود فیزیک را نه. مثل این است که نولان زندگی‌نامه فروید را بسازد؛ آیا فیلمش داستانی روان‌شناختی خواهد شد؟ نه. تلقین و ممنتو اما روان‌شناختی‌اند حتی اگر هیچ دانشمندی از رشته روان‌شناسی در آن‌ها نباشد. فلسفه اخلاق هم سر و کله‌اش در جای جای آثار او پیدا می‌شود. او علاقه دارد با حسن و قبح‌های مخاطب بازی کند و توان قضاوت را از او بگیرد. مسئله‌ای که به نظر می‌رسد قطعا در اوپنهایمر هم بسیار جدی و پررنگ خواهد بود. بالاخره اوپنهایمر هیولا بود یا منجی؟ او چه کشمش‌های اخلاقی‌ای با خود داشت؟ اما فیلم به هیچ‌وجه به این کشمکش درونی نمی‌پردازد. او حتی تلاشی برای معلق ساختن ما بین اوپنهایمر خوب یا اوپنهایمر بد نمی‌کند. درست است که اوپنهایمر بعد از حمله اتمی آمریکا به ژاپن به نوعی عذاب وجدان دچار شد و با فعالیت‌های سیاسی سعی کرد جلوی اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی را بگیرد؛ اما او حین ساخت بمب و آزمایش او هرگز کشمکش درونی‌ای از خود نشان نمی‌دهد. پس جای فلسفه اخلاق هم در این فیلم تقریبا خالی است.

عنصر بعدی زمان است. نولان علاقه بسیار ویژه‌ای به این مفهوم دارد. اصلا او از مفاهیم علمی استفاده می‌کند تا با زمان بازی کند. زمان مسئله اصلی «تلقین» بود و در «میان ستاره‌ای» هم نقش پررنگی داشت. اما اوج بازی نولان با زمان در فیلم «تنت» بود. اثری که مجبور بودی آن را بارها و بارها ببینی تا بفهمی اصلا چه شد. اما نولان در دانکرک و اوپنهایمر نمی‌تواند زمان را در ساختار داستان بیاورد؛ پس آن را در نوع روایت داستان می‌آورد و سعی می‌کند با زاویه دیدها و خط داستانی‌ها و فلش بک‌ها، مخاطب را گیج کند اما مطلوب او این نیست. آنچه نولان را به زمان علاقه‌مند می‌سازد، رفت و آمد شخصیت‌ها در آن است نه رفت و آمد مخاطب در آن. دانکرک در واقع یک فیلم سه اپیزودی است که در اپیزود نخست یک هفته مانده به واقعه، در اپیزود دوم یک روز و در اپیزود آخر یک ساعت مانده به واقعه روایت می‌شود. این را مقایسه کنیم با کاری که او در تلقین با زمان می‌کند. یا در میان ستاره‌ای، زمانی که هر دقیقه در یک سیاره، مساوی هفت سال در زمین است! زمان می‌تواند دراماتیک باشد و تخصص نولان در درام ساختن از زمان است نه زمان‌بازی در روایت. در «اوپنهایمر» یک زمان داریم که در آن دکترجی. رابرت اوپنهایمر، فیزیک‌دان برجسته و سازنده بمب اتم نشسته و در حال جواب پس دادن به بازجوها در مورد ارتباطش با حزب کمونیست و شوروی است. یک زمان فلش بک‌هایی است که به خاطرات او و اعترافاتش باز می‌گردد. یک خط زمانی دیگر مربوط به لوییِ اشتراوس، رئیس سازمان انرژی اتمی ایالات متحده و تلاش‌های او برای تصدی پست‌های سیاسی است. کسی که اوپنهایمر را به دام آن جلسات بازجویی انداخته بود. خط زمانی دیگر مربوط به فلش بک به خاطرات اشتراوس است. اینجا کارگردان مجبور است برای جلوگیری از گیجی کامل مخاطب دو خط زمانی را با رنگ از یکدیگر جدا کند. خط زمانی اشتراوس سیاه و سفید است و خط زمانی اوپنهایمر رنگی. خط زمانی اشتراوس در حالی سیاه و سفید است که بعد از خط زمانی اوپنهایمر رخ می‌دهد (الآن مثلا این حرکت خیلی جالب است...). می‌گویند وقتی تلقین در یکی از سینماهای آسیایی اکران می‌شد، آن کشور به ابتکار خود روی سطوح مختلف خواب‌ها عدگذاری کرده بود تا مخاطبان آن کشور بفهمند چی به چی است. اینجا نولان به نوعی خودش این کار عجیب را کرده و روی خطوط زمانی مختلف آن اسم گذاشته! این رفتارها نولانی نیست. همیشه این مخاطبان بودند که خود را می‌کشتند تا بفهمند آقای نولان چه می‌گوید. حالا این نولان است که خود را می‌کشد به مخاطب بفهماند چه می‌گوید.

عنصر بعدی فیلم‌های او عشق و روابط عاطفی است. در آثار نولان روابط عاطفی حضوری ماورایی و بسیار مؤثر در داستان دارند. مثلا در میان ستاره‌ای، عاقبت معلوم شد آن سیاره‌ای برای سکونت انسان‌ها مناسب است که معشوق یکی از شخصیت‌ها آن را تشخیص داده بود و بهتر بود همه از ابتدا به همان سیاره اعتماد می‌کردند. تنها در دانکرک و اوپنهایمر است که زن و عشق را به شکل نولانی نداریم. در دانکرک که اصلا زن نداریم، در اوپنهایمر هم زن‌ها حضوری بسیار گذرا و بی‌اهمیت دارند. یکی معشوقه اوپنهایمر است و دیگری همسر او. نمی‌توانیم چیز بیشتری در مورد آن‌ها بگوییم! رابطه اوپنهایمر با معشوقه کمونیستش می‌توانست بسیار دراماتیک از آب دربیاید. این رابطه باعث درد سر او و در مظان اتهام بودن او شد اما خبری از سایه این عشق روی روح و شخصیت او نیست. همسر اوپنهایمر هم تنها در یک سکانس دکوری نیست و آن هم در سکانسی که با اصرار به دیگران می‌فهماند بازجویی از رابرت اوپنهایمر و حذف او از عرصه سیاست ایالات متحده دسیسه و توطئه لوبی اشتراوس است.

عنصر بعدی نیز عبارت است از اکشن، جادوی موسیقی متن و صحنه‌های شلوغ، دوربین‌های کِرِین و در یک کلام جلوه‌های ویژه. طبیعی است که در یک فیلم زندگی‌نامه‌ای خبری از این‌ها نباشد اما سؤال ما هم همین است که نولان را چه به زندگی‌نامه و بیوگرافی؟ بدیهی است که هرکس می‌تواند هرژانری دلش خواست بسازد؛ اما دل نولان واقعا چنین فیلمی را می‌خواسته؟

همه باهم، بلند و یک صدا، تکبیر!

شاید. شاید واقعا می‌خواسته زندگی‌نامه اوپنهایمر را بسازد و اینگونه علاقه‌اش به فیزیک و قضاوت‌های دشوار و زمان را ارضا کند. این اصلا بعید نیست. در کارنامه هر کارگردانی فیلم‌هایی هست که از معدل آثار او نمره پایین‌تری می‌گیرد و این مسئله عجیبی نیست. ما هم این‌ها را ننوشتیم تا بگوییم «اوپنهایمر» نولان یک کارسفارشی است. اما مسئله اینجاست که خیلی شبیه کارهای سفارشی ساخته شده. «اوپنهایمر» یک فیلم کاملا ملی است؛ همانقدر که «نجات سربازِ رایان» ملی بود. اصلا فیلم ضدجنگی نیست؛ همانقدر که نجات سربازِ رایان ضدجنگ نبود. مهم‌ترین نشانه‌ای که ما را به این قضاوت می‌کشاند، صحنه‌ای است که در آن اوپنهایمر و اصحابش (!) از آزمایش انفجار بمب اتم سربلند بیرون آمده‌اند و سرزنانه‌ی شناسند. آن‌ها اوپنهایمر را روی دست بلند می‌کنند؛ گویی که او تنها کاپیتان یک تیم فوتبال است که قهرمان یک لیگ مهم شده و نه پدر مخوف‌ترین سلاح تاریخ. اوپنهایمر نیز دستش را بالا می‌برد و برای آن‌ها تکان می‌دهد، در حالی که پشتش پرچم آمریکا با شکوه و وقار خاصی در حال اهتزاز است و آفتاب پرفروغی نیز می‌تابد. زاویه دوربین لونگ‌شات و از پایین، پرچم رقصان ایالات متحده و چهره خندان دکتر اوپنهایمر را می‌بینیم. از این کلاسیک‌تر، سنتی‌تر و کلیشه‌ای‌تر نمی‌توان سکانس ملی‌گرایانه ساخت. اهتزاز پرچم نشان شکوه ملیت است. این صحنه را که می‌بینی هرآن منتظری صدای سالار عقیلی را بشنوی که می‌خواند: «وطنم! ای شکوه پابرجا! زخمی سربلند دوران‌ها!». خودمان را بگذاریم جای مخاطبان آمریکایی که در سینمای آیمکس نشسته‌اند و تصویر را در بزرگ‌ترین و شفاف‌ترین حالت پیش روی خود می‌بینند. اگر کسی از میان جمعیت ندا دهد: «سربلندی و اقتدار روزافزون نظام مقدس ایالات متحده آمریکا و نابودی کفر استکبار جهانی همه با هم بلند و یک صدا تکبیر!» جمعیت به پا می‌خیزد و تکبیر می‌گوید. خلاصه روی ملی بودن این نماهیچ شکی نیست. این نمای کلیشه‌ای آن هم از سوی کارگردان بازیگوش و جاه‌طلبی چون نولان عجیب است. انگار پسر شر و شور مدرسه که نصف سال را در دفتر ناظم گذرانده ناگهان سرصف موقع پخش سرود ملی دست روی سینه بگذارد و حتی قطره اشکی هم از عشق وطن بریزد. نولان هم مثل آن بچه تخس و بی‌قاعده کشورش را دوست دارد اما این فیس و افاده‌ها به او نمی‌آید! این پلان ما را به یاد مجسمه آزادی می‌اندازد. خاصه که در دست مجسمه آزادی هم شعله‌ای آتش است و نولان هم در ابتدای فیلم اوپنهایمر را به پرومته تشبیه کرده بود؛ اسطوره‌ای یونانی که آتش را از خدایان دزدید و به انسان‌ها داد؛ به همین دلیل مورد خشم خدایان قرار گرفت و تا پایان عمر در غل و زنجیر به عذاب و شکنجه محکوم شد. این تشبیه البته از نولان نیست؛ از نویسنده کتابی است به نام «پرومته آمریکایی» که منبع فیلم نولان است. اما این تشبیه زیاد درست به نظر نمی‌رسد. پرومته با دزیدن آتش به انسان‌ها خدمت کرد. درست است که او از نظر خدایان خائنی گناهکار نمی‌شمرند. او به شد اما انسان‌ها که او را خائن و گناهکار نمی‌شمرند. او به انسان‌ها چیزی داد که با آن تمدن را بسازند؛ ابزار درست کنند و غذا بپزند. آیا اوپنهایمر هم با ساخت بمب اتم یک موهبت به انسان‌ها هدیه کرد؟ آیا عذاب وجدان اوپنهایمر یک تنبیه غیرمنصفانه از سوی خدایانی ظالم بود؟ آیا اوپنهایمر آزادی را به ارمغان آورد؟ به هرو او در برابر نیروبی که به قول فیلم آزادی جهان را تهدید می‌کرد و نزدیک بود که به سلاح هسته‌ای دست یابد ایستاد و آمریکا را زودتر از این سلاح برخوردار کرد. اگر یک فاشسیست نژادپرست همچون هیتلر که نژاد خود را نژاد برتر می‌دانست زودتر به بمب اتم دست می‌یافت، جهان چه خاکی برسرش می‌ریخت؟ این توجیهی است که خود اوپنهایمر برای ساخت بمب اتم مطرح می‌کند: «من نمی‌دانم ما ز بمب اتم درست استفاده می‌کنیم یا نه؛ اما مطمئنم دشمن از آن درست استفاده نمی‌کند». گفتیم اوپنهایمر در فرآیند ساختن بمب هیچ شکی به دلش راه نمی‌دهد. او حتی لباس نظامی به تن می‌کند. رابرت یک یهودی است و جنگ با فاشیسم را خدمت به نژاد و دین خود نیز می‌داند. او یهودیان را مردم خود می‌خواند. (در جای دیگر نسبت به آمریکا اظهار عشق می‌کند و این متناقض به نظر می‌رسد). در اینجا به نظر می‌رسد آمریکا از بقای خود و حتی بقای جهان به طور کاملا مشروع دفاع می‌کند. اما آیا همه کشورهای جهان از ترس آلمان به فکر ساخت بمب افتادند؟ بحث، بحث قدرت بود نه بقا. چه کسی به آمریکا مأموریت داده بود از جهان آزاد در برابر فاشیسم و نازیسم دفاع کند؟ این چرخه استعمار و قدرت‌طلبی مگر منشائی جز اروپا داشت؟ آلمان قدرت‌طلب و نژادپرست مگر در جایی جز اروپا متولد شد؟ و آیا مگر نمی‌شد با سلاح‌های دیگر جلوی آلمان نازی را گرفت و آیا مگر پیشتر ایالات متحده با ایجاد خرابکاری در محل ساخت بمب اتم، دستیابی آلمان به بمب را متوقف نکرده بود و آیا مگر نمی‌شد آمریکا در مرحله آمادگی برای ساخت بمب دست نگه می‌داشت؟ ساخت بمب در فیلم توجیه شد. در کمال ناباوری، استفاده از آن هم در ژاپن توجیه می‌شود. «ژاپنی‌ها جنگ را تمام نمی‌کنند. اگر بخواهیم با سلاح‌های کنونی با ژاپن بجنگیم هم همانقدر کشته به بار می‌آید». این خلاصه استدلالی است که مقامات آمریکایی را بر آن می‌دارد در ژاپن از بمب اتم استفاده شود. حتی خود اوپنهایمر اضافه می‌کند از تأثیر روانی انفجار اتمی غافل نشود! یک قارچ بزرگ و هزاران کشته در کسری از ثانیه. اینجا می‌رسیم بر سرمهم‌ترین سؤال: موضع فیلم و کارگردان در قبال ساخت و استفاده از بمب اتم چیست؟

مجبور بودیم؛ می‌فهمی؟ مجبور!

«اوپنهایمر» یک فیلم ملی است و در تاریخ آمریکا هرگز تریبون‌های ملی این کشور از جنایت عظیم هیروشیما و ناکازاکی ابراز انزجار و اعلام برائت نکرده‌اند. در این فیلم اوپنهایمر که در حقیقت شخصیتی روان‌پریش و کینه‌توز بوده است تنها بعد از نابودی هیروشیما و ناکازاکی عذاب وجدان می‌گیرد و علیه جنگ تسلیحاتی فعالیت می‌کند. اما این فعالیت در حالی است که گویی خود او هم می‌داند چاره‌ای جز آنچه شد نبوده است. موضع فیلم چنین چیزی است: «باید می‌شد ولی ای کاش می‌شد نشود». در پایان فیلم اشتراوس می‌گوید رابرت برای خود نمایی علیه بمب اتم فعالیت می‌کرد در حالی که خودش می‌دانست مجبور بودیم! آری فیلم می‌پذیرد که چقدر جنگ بد است و سیاست‌مداران گاهی می‌توانند چقدر خبیث باشند اما چه کنیم که چاره‌ای نیست. بعد از استفاده از بمب اتم آنچه در فیلم مطرح می‌شود ساخت و استفاده از بمب هیدروژنی است! وقتی ساخت و استفاده از بمب اتم توجیه شد، چرا بمب هیدروژنی توجیه نشود. اینجاست که واقعیت این فیلم باز هم برایمان هولناک‌تر می‌شود. این فیلم گویی تنها درصدد توجیه بمب اتم نیست؛ گویی پای یک تهدید در میان است.

مرگ بر مرگ

گویی این فیلم می‌گوید اگر مجبور باشیم، اگر «آزادی جهان» در معرض خطر قرار بگیرد، ممکن است باز هم از بمب اتم استفاده کنیم. نه! حتی ممکن است مجبور باشیم از بمب اتم استفاده کنیم. خیلی هم تلخ است. تن اوپنهایمر می‌لرزد. ولی حواس‌تان باشد! ممکن است ها! آن روی سگ آمریکا را بالا نیاورید! عذاب وجدان اوپنهایمر بعد از استفاده از بمب بیشتر یک عذاب وجدان احساسی و مالیخولیایی است؛ نه یک رفتار ملی و منطقی. گویی فیلم می‌گوید تصمیمات ملی و منطقی ممکن است گاه با ترجیحات شخصی افراد ناسازگار باشد؛ اما وقتی مجبور باشیم چاره‌ای نیست. مواظب باشید! آمریکا ممکن است باز هم مجبور شود! دیدید ترومن چگونه به اوپنهایمر گفت «نازک نارنجی»؟ اعصاب آمریکا را به هم بریزید دوباره جهان در معرض نابودی قرار می‌گیرد! اوپنهایمر انگار یک رجز است. رجزی برای یادآوری هژمون و هیمنه نظامی ایالات متحده آمریکا. هژمونی که در ایجاد آن نابودی هیروشیما و ناکازاکی نقشی پررنگ ایفا می‌کند. این فیلم می‌تواند خود بمب اتمی باشد در اذهان عمومی. فیلم «اوپنهایمر» هشدار حاکم مستبد پیری است به جهانی که سودای تغییر و نوشدن دارد. «اینک مرگ شدم؛ نابودگر دنیاها». گویی این شعر نه نجوای اوپنهایمر، بلکه رجز آمریکاست. این فیلم در پاسخ به تحولاتی ساخته شده که می‌توان آن را گذار به نظم نوین جهانی دانست. تحولاتی که ابهت و بلندای نظامی آمریکا را خدشه‌دار ساخته است. این فیلم یک تلنگر است به جهانی که می‌خواهد از عصر آمریکا عبور کند. «اینک مرگ شدم، نابودگر دنیاها». انصافا مرگ بر آمریکای ما ایرانی‌ها معنای روشنی دارد: مرگ بر مرگ!

آگهی تجدید مزایده عمومی

اجاره بسته شماره سه ۲۶ مورد سازه تبلیغاتی - یک عدد پل هوایی، سه عدد بیلبورد، سه عدد فلکسی و یک عدد استند

۱- موضوع تجدید مزایده: واگذاری بهره برداری و اجاره یک ساله بسته شماره سه ۲۶ مورد سازه تبلیغاتی (یک عدد پل هوایی، سه عدد بیلبورد، سه عدد فلکسی و یک عدد استند.) ۲- جمع کل برآورد مبلغ ۱۲/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۳- نوع و مبلغ تضمین شرکت در تجدید مزایده: ضمانتنامه بانکی در وجه شهرداری آمل و یا وجه نقد به حساب شماره ۰۱۱۵۷۸۶۲۴۶۰۰۵ نزد بانک ملی به نام شهرداری آمل به مبلغ ۳/۸۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ٤- شرکت کنندگان فقط قادر به ارائه یک پیشنهاد کلی برای تمامی تابلوها بوده و تابلوها در قالب یک بسته به برنده مزایده واگذار می گردد. ۵- مهلت و محل دریافت اسناد تجدید مزایده: از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم به مدت ۵ روز - سامانه تدارکات الکترونیک دولت ٦- تاریخ مهلت بارگذاری پیشنهاد در سامانه تدارکات الکترونیک دولت: ساعت ۱۹ عصر روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۲/۹/۱۹ -۷- تاریخ تشکیل کمیسیون معاملات: ساعت ۱٤/۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۹/۲۰ -۸- سایر جزئیات و اطلاعات در اسناد تجدید مزایده قید شده است. ۹- برای اطلاعات بیشتر به سامانه تدارکات الکترونیک دولت و سایت شهرداری آمل www.amol.ir رجوع گردد. نمابر ۴۴۲۵۹۴۹۷-۰۱۱ تلفن ۴۴۲۲۹۰۰۱-۰۱۱۲

آدرس و برآورد پایه کارشناسی:

ردیف	نوع سازه	آدرس	متراژ (متر)	برآورد یک ساله (ریال)
۱	پل هوایی	میدان شمع	۱۲۰	۵/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	بیلبورد	بلوار منفرد بعد پل چهارم	۵۰	۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	بیلبورد	جنب پل دوازده چشمه	۳۲	۱/۷۶۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	بیلبورد	میدان علویان به سمت هراز	۵۰	۲/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۵	فلکسی دو طرفه	ابتدای ولایت از خیابان نور	۱۲	۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰
۶	فلکسی دو طرفه	بین ولایت ۱۷ و ۱۹	۱۲	۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰
۷	فلکسی	بلوار یوسفیان بین اندیشه ۴ و ۶	۶	۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰
۸	استند	کوچه راهنمایی و رانندگی میدان حر	۱۲	۶/۰۰۰/۰۰۰
	جمع کل		۲۹۴	۱۲/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰
	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه			۳/۸۱۰/۰۰۰/۰۰۰

تاریخ انتشار ۱۴۰۲/۸/۳۰
خ ش ۱۴۰۲/۸/۳۰

علی داودی - شهردار آمل

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله ای)

نوبت اول

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد

شرکت توزیع نیروی برق استان یزد در نظر دارد کالاهای مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای از تامین کنندگان واجد شرایط خریداری نماید. لذا متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۳۰ لغایت ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ از طریق سامانه ستاد ایران به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند و پیشنهادات خود را باتوجه به مندرجات دفترچه مناقصه ظرف مهلت مقرر در جدول زیر در سامانه ستاد ایران بارگذاری و ضمنا پاکتهای مناقصه را به دبیرخانه این شرکت تحویل نمایند. ضمناً به پیشنهادهای تحویل داده شده بعد از انقضاء مدت و بارگذاری نشده در سامانه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شماره فراخوان مناقصه در سامانه ستاد: ۲۰۰۲۰۰۵۰۶۶۰۰۰۱۱۰

ردیف	شماره مناقصه	شرح مناقصه	مقدار دستگاه	تضمین شرکت در مناقصه	نوع ضمانتنامه	زمان تحویل پاکتها		زمان بازگشائی پاکت ارزیابی کیفی	
۱	۱۴۰۲/۱۸۳	کلید اتوماتیک موتور دار هوشمند ۲۵۰ آمپر	۴۰	۲,۹۹۲,۰۰۰,۰۰۰	۱-ضمانتنامه بانکی ۲-از محل مطالبات ۳-فیش نقدی	ساعت ۱۴	۱۴۰۲/۰۸/۱۶	ساعت ۱۰:۳۰ صبح	۱۴۰۲/۰۸/۱۸
		کلید اتوماتیک موتور دار هوشمند ۴۰۰ آمپر	۷۰						
		کلید اتوماتیک موتور دار هوشمند ۶۳۰ آمپر	۱۶۰						

۱- هزینه درج آگهی مناقصه و کسورات قانونی به عهده برنده مناقصه میباشد.
۲- به پیشنهادات مشروط، مبهم، مخدوش و فاقد سپرده و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر ارسال گردد و یا در سامانه ستاد بارگذاری نگردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۳- داوطلبان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۰۳۵-۳۶۲۴۸۹۸۹ و ۰۳۵-۳۶۲۴۳۱۱۱ امور تدارکات تماس حاصل نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۸/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۲/۹/۱ شناسه آگهی ۱۶۰۸۰۲۸

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان یزد

فراخوان یک مرحله ایی تجدید مناقصه عمومی

خرید چراغ خیابانی

نوبت اول

شهرداری شهربابک در نظر دارد طبق بند ۲ صورتجلسه شماره ۱۰۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰٤ شورای محترم اسلامی شهر خرید چراغ خیابانی جهت معابر شهر را با برآورد اولیه ۶۰,۰۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت به شماره ثبت سامانه ۲۰۰۲۰۰۵۶۱۶۰۰۰۰۱۱ را برگزار نماید. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۳,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت ضمانت نامه بانکی معتبر می باشد. مناقصه گران بایستی دارای پروانه کسب معتبر باشند. کلیه مراحل مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیک را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. مناقصه گران بایستی اسناد مناقصه را از طریق سامانه دریافت و باتوجه به مندرجات اسناد و شرایط مناقصه، مدارک درخواستی را شامل پاکت (الف، ب، ج) بصورت فایل pdf تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۸ در سامانه اسکن و بارگذاری نمایند.
توجه: چنانچه برندگان اول و دوم مناقصه حاضر به مبادله پیمان نشوند سپرده شرکت در مناقصه آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. شهرداری در رد یا قبول هریک از پیشنهادات مختار است. سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است.
- تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ می باشد.
- مهلت دریافت اسناد از سامانه: تا ساعت ۱۲ روز چهار شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۸ می باشد.
- مهلت ارسال پیشنهادات از طریق سامانه: تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۸ می باشد.
- دستگاه مناقصه گذار به آدرس: استان کرمان - شهربابک - بلوار شهدای هفتم تیر ساختمان شهرداری شهربابک - کدپستی ۷۷۵۱۸۱۱۱۷۷ و تلفن تماس ۰۳۴۳۴۱۲۲۰۰۶
- بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۲ روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۹ در محل دفتر شهردار به آدرس دستگاه مناقصه گذار می باشد.
- اطلاعات تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ٤۹۳٤-۰۲۱ و دفتر ثبت نام ۸۸۹۶۹۷۳۷-۸۵۱۹۳۷۶۸

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۸/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۲/۹/۱ شناسه آگهی ۱۶۰۷۱۹۹

شهرداری شهربابک

آگهی فراخوان

دانشگاه گلستان در نظر دارد در راستای اجرای دستورالعمل شماره ۵۸۶۲۰۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۵ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موضوع دستورالعمل مندرج در ماده ۲۷ قانون الحاقی برخی از مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات دولت (۲) به بخش غیردولتی (خصوصی) مصوب ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی، احداث پروژه دانشکده فنی و مهندسی علی آبادکتول را از طریق فراخوان عمومی به بخش غیردولتی واگذار نماید، لذا از کلیه متقاضیان دعوت بعمل می‌آید در صورت علاقه مندی به سرمایه گذاری در پروژه های مذکور از تاریخ درج آگهی به مدت ۷ روز جهت اطلاع از شرایط فراخوان و دریافت اسناد به مدیریت امور فنی و نظارت بر طرح های عمرانی دانشگاه گلستان مراجعه نموده و در مهلت مقرر مدارک مربوطه را تکمیل و تحویل نمایند.

شماره تماس برای پاسخ به سؤالات متقاضیان ۰۱۷۳۲۳۰۳۹۹۷

توضیحات:
۱- طرح ها از نوع BOT (ساخت، تکمیل، بهره برداری و انتقال به سرمایه پذیر) می باشد.
۲- هریک از متقاضیان می توانند از تاریخ درج آگهی با مراجعه به دانشگاه گلستان، اطلاعات تکمیلی را در خصوص هریک از پروژه ها کسب نمایند.
۳- پرداخت کلیه هزینه های چاپ آگهی در روزنامه های مختلف برعهده برنده فراخوان بوده و همزمان با عقد قرارداد بایستی نسبت به پرداخت آن اقدام نماید.
۴- پرداخت هزینه های مطالعات فنی و اقتصادی توسط مشاور جهت آماده سازی برعهده برنده فراخوان می باشد.
۵- در صورت انصراف برنده فراخوان از عقد قرارداد، سپرده وی به نفع دانشگاه گلستان ضبط خواهد شد.

شناسه آگهی ۱۶۰۷۱۱۴

روابط عمومی دانشگاه گلستان